

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان:
برگزاری نماز جمعه شهر رینه. ۱۳ تیر ماه سال ۱۴۰۴

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمدّه و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه و
خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته
سَيِّدنا و نبيِّنا و حبيب قلوبنا أبا القاسم المصطفى محمّد و على آله
الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتخبين و من تبعهم باحسان الى يوم
الدّين.

قال الله العظيم في كتابه الكريم:

« إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا

وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» فصلت/ ۳۰

ترجمه: " بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست سپس در

میدان عمل بر این حقیقت استقامت ورزیدند فرشتگان بر آنان نازل

میشوند و میگویند: مترسید و آندوه‌گین نباشید و شما را به بهشتی که

وعدۀ میدادند بشارت باد."

"أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ" خودم و همه شما بندگان خدا را در آستانه

عاشورای حسینی (ع) به رعایت تقوای الهی و نظم در امور سفارش

میکنم که سفارشی والاتر از این مهم در عالم هستی وجود ندارد.

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا، فداکاری و گذشت امام

حسین (ع) از جان خود و جوانان و برادران و أصحاب و یاران و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود اگر دنیا و مال و نعمت آن در نظر کسی بی ارزش نباشد نمیتواند اینگونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود پایداری و استقامت وزد تا به حدی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند و صدای ناله زنان و کودکان را بشنود ولی در راه یاری دین خدا ثابت و پابرجا بماند و در مقابل باطل نرمش نشان ندهد. پس بندگان خدا اتقوا الله! با توجه به فرا رسیدن عاشورای حسینی و ایام مصیبت جانکاه ابا عبدالله الحسین (ع) محور خطبه اولم را به مقام شهدای کربلا، عزیز بودن عزاداران امام حسین (ع) نزد خدای متعال و برکت گریه و ذکر مصیبت بر ایشان اختصاص میدهم. در یکی از جملات زیارت الهی و ملکوتی "وارث" بمحضر مبارک این هفتاد و دو نفر عرضه میداریم: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا أَوْلِیَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ (مفاتیح الجنان/شیخ قمی/زیارت وارث)» شما

هفتاد و دو نفر از اولیا خدا یعنی به مقام با عظمت ولایت رسیده بودید
هر کدام از کوچک تا بزرگ شما به تنهایی یک ولی بودید! آثار
ولایت آنها بعد از هزار و چند صد سال ولایتمداری باز کننده راه قُرب
إلهی بسوی مردمند. امام ششم (ع) میفرمایند: «کسی که برای اینها در
حال غُصه نفس میکشد نَفَسِ او تسبیح است. آبِ چشمی که در حال
گریه برای آنها بیرون می آید رحمت خداست» چون گریه بر آنها
باعثِ آمرزشِ گناه و پاک شدن و محبوب شدن پیش پروردگار است
البته همه این آثار برای کسانی است که خودشان را در معرضِ این
نسیمِ إلهی قرار دهند درخت خشکیده وجودِ آنها از این نسیم منبع
منفعت و خیر بشوند. «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا. آل عمران/ ۳۷» «مَنْ كَانَ يُرِيدُ
الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُ.
فاطر/ ۱۰» بشرطی که آدم خودش را در این وادی قرار بدهد و الا اگر
بیرون از این مرز زندگی بکند جزو گروه « غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ و

گروه و الضالین است. فاتحه/۷ از رَجِم مادر تا اینجا به خیلی از بلاها و لغزشها و گناهان دچار نشده ایم فقط از برکتِ بویی است که از آنها گرفته ایم «و كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتْهُ وَ كَمْ مِنْ عَثَارٍ وَقَيْتَهُ وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ. (مفاتیح الجنان/شیخ قمی/دعای کمیل) احترامِ ما پیش خدا بخاطر حضرت سید الشهدا (ع) است. تا حالا چقدر گناه خطرناکی که آبرویت را به باد میداد برایت پیش آمد فرار کردی! آن تو نبودی که فرار کردی آنها بودند که فرارایت دادند ولایتِ آنها بوده که بر تو اِشراف دارد. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا كَسَانِي كَغَفَتُمْ: پرورش دهنده و به وجود آورده ما الله است و سپس بر این عقیده خود استقامت کردند «وَأَبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ فصلت/۳۰ ای فرشته ها! آنها را بهنگام مرگ بشارت بدهید که ما میخواهیم تو را به بهشتی که وعده داده شده است ببریم. وقتی وارد عالم قبر شدی «نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ. ما

ملائکه مامور هستیم رفیق شما بشویم. « فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ
حافظ و خادم شما هستیم. وقتی وارد بهشت شدید هر چی دل شما
میخواهد بخواهد عیبی ندارد. « وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا
مَا تَدَّعُونَ. فصلت/ ۳۱ این پذیرایی من است تو بوی حسین (ع) را بده
من یک سفره بی نهایت در دنیا و آخرت برای تو پهن میکنم بفکر و
قالت نور میدهم. بچه هایت را هم با رنگ و بوی ابا عبدالله (ع) بار
میآورم خانه ات را در امنیت قرار میدهم کسب تو را حلال نگه میدارم
پذیرایی کننده کریم است که گرمش نهایت ندارد. وجود مقدس حضرت
سیدالشهدا (ع) از یک محلی رد میشدند حامل های بازار سَرِ ظُهر
سُفره را پهن کرده بودند داشتند نان خشک میخوردند یکی از آنها گفت
بروم آقا را بیاورم با ما هم غذا بشود؟ به او گفتند: خجالت بکش این
شخصیتِ عَالَمِ خَلقتِ زمین و آسمان ملائکه خادمش هستند پا برهنه
دوید حسین جان! امروز نهار را با ما میخوری؟ فرمود: بله چرا

نخورم! حمال ها دیدند پسر فاطمه (س) دارد میآید هُمای اُوج سعادت
به دادِ ما اُفتد - اُگر تو را گذری بر مقامِ ما افتد! امام حسین (ع) روی
خاک نشست نانِ خشک را قشنگ خورد بعد فرمود: من به حرف شما
گوش دادم شما هم فردا نهار خانه من دعوت هستید ماتشان بُرد فردا ما
خانه اُبا عبدالله (ع) دعوت داریم! قنبر را صدا کرد فردا چند تا مهمان
خیلی محترم دارم اولاً به تعداد نفرات آنها پارچه، پول، شیء قیمتی
تهیه کن نهار را خوردند خواستند بروند به آنها بدهم بعد هم بهترین
سُفره را برای آنها بِنَداز! این گریه که بما دادند مال انبیا و پیامبر و
مادرش فاطمه زهرا (س) است. حضرت موسی (ع) در کوه طور
گفت: خدایا! پیامبری بالاتر از من است؟ خطاب رسید: بله! پیامبر
آخر محمد بن عبدالله (ص) از تو بالاتر است. گفت: خدایا به او مؤمن
هستم. بعد گفت: از امتِ من بالاتر کسی است؟ خداوند متعال فرمود:
بله! امت پیامبرِ آخرالزمان. گفت: مگر چه امتیازی به آنها داده ای که

از ما بالاتر هستند؟! پنج تا امتیاز را خدا شمرده من یکی را می‌گوییم: یا موسی من به آنها عاشورا داده ام یعنی امروز خدا دارد از شما پذیرایی میکند! پاداش صبر در راه سید الشهداء: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ باب. رعد/۲۳ در قیامت ملائکه از رو برو، پشت سر، دست راست، دست چپ و بالا سر هجوم می آورند و می‌خواهند خودشان را به این آدم برسانند. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ. رعد/۲۴ شما بودید که در راه حسین (ع) صبر کردید و خودتان را آلوده نکردید. پیامبر اکرم (ص) با چند نفر در کوچه داشتند میرفتند هفت هشت تا بچه قاطی هم تو گرد و خاک بازی میکردند رسول اکرم یکی از این بچه ها را بغل کردند کنار کوچه چهار زانو نشستند و بچه را روی زانو نشاند دستی به سرش کشید و گفت: آفرین عزیز دلم! بعد هم بچه را فرستاد. اصحاب گفتند: آقا این کی بود؟ فرمودند: از تَه کوچه که داشتم می آمدم حسینم را قاطی بچه ها دیدم بازی میکند حسینم که راه میرفت این بچه

هر جا حسینم پا می گذاشت خاک را بر میداشت به خودش میمالد او
 یکی از هفتاد و یک یار حسین است. السَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا أَوْلِیَاءَ اللَّهِ (مفاتیح
 الجنان/شیخ قمی /زیارت وارث) اولین روضه خوان امام حسین علیه
 السلام هنگام تولد ایشان: روز تولد امام حسین (ع) خانه حضرت زهرا
 و أمير المؤمنين وقتی قنذاقه اش را دست پیامبر دادند سرش را روی
 سینه بچه آورد وقتی سرش را بلند کرد زهرا (س) دید تمام صورت
 پیامبر خیس است؟! «وَمَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَحَنِ. بابا چرا گریه
 کردی؟! «أَخْبَرَ النَّبِيُّ (ص) ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ بِقَتْلِ وَلَدِهَا الْحُسَيْنِ وَ مَا يَجْرِي
 عَلَيْهِ مِنَ الْمَحَنِ بَكَتْ فَاطِمَةُ بُكَاءً شَدِيداً پیامبر مقداری از حوادث روز
 عاشورا را گفت که این بچه با هفتاد و دو نفر گرفتار تشنگی میشوند و
 یارانش را سر می برند بچه هایش را می کشند میگویند: به زن زائو
 خبر بد ندهید ولی این جا چاره ای نبود. « وَ قَالَتْ يَا أَبَهُ مَتَى يَكُونُ
 ذَلِكَ؟ این قضیه کی هست؟ « قَالَ فِي زَمَانٍ خَالٍ مِنِّي وَ مِنْكَ وَ مِنْ

عَلِيَّ آنروزی که این حادثه اتفاق می افتد من و بابایش علی هم نیستیم
 داداش او هم نیست تو هم نیستی! «فَاشْتَدَّ بُكَاءُهَا. دیگر زهرا بلند شد
 نشست و بلند بلند گریه کرد» «وَقَالَتْ يَا أَبَهُ فَمَنْ يَبْكِي عَلَيْهِ وَ مَنْ يُلْتَزِمُ
 بِإِقَامَةِ الْعَزَاءِ لَهُ؟ پس برای حسین من کی گریه میکند؟ کی برایش
 جلسه میگیرد؟» «فَقَالَ النَّبِيُّ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَى نِسَاءِ
 أَهْلِ بَيْتِي وَ رِجَالَهُمْ يَبْكُونَ عَلَى رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي. آنقدر زنهای امتم برای
 حسین تو گریه میکنند اما برای بچه خودش تا شبِ چهل و یک هفت
 گریه میکند تمام میشود اما این زنها تا آخرِ عُمر این گریه را برای
 حسینیت دارند» «وَ رِجَالَهُمْ يَبْكُونَ عَلَى رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي. مردها و
 جوانهایی از امت من بیایند که برای حسین تو عزاداری و گریه کنند
 آنروز کنار بسترِ زهرا (س) پیامبر قیافه ما را می دید! امام صادق
 (ع) میفرماید: «آنها میشوند ولی مادرم زهرا (س) بالا سر شما با شما
 گریه میکند» «وَ يُجَدِّدُونَ الْعَزَاءَ جِيلًا بَعْدَ جِيلٍ. عزا را نسل به نسل

تجدید میکنند بعد پیامبر بحضرت زهرا (س) فرمود: «فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ
وقتی قیامت بر پا شود خدا بتو دستور میدهد سراغ کُلّ زنهایی که
برای حسین تو گریه کردند بروی و بمن هم میگوید: «أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ.
برو سراغ هر کس که با حسین (ع) تو بوده وَ کُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَى
مُصَابِ الْحُسَيْنِ. دخترم من دست همه گریه کن ها را میگیرم تو هم
دست همه زنها را میگیری. «أَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ. و با خودمان به بهشت
میریم «يَا فَاطِمَةُ كُلِّ عَيْنٍ بَاكِئَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. همه چشمها قیامت گریان
است «إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ مگر چشمهایی که برای
حسین تو گریه کنند!

ذکر مصیبت: أبا عبدالله سلام الله عليه //

روز عاشورا بعد از ظهر دورش را گرفتند کسی از یاران دیگر نمانده
بود یک نگاهی به همه کرد و خدا حافظی کرد «عَلَيْكُنَّ مِنِّي السَّلَامُ أَمَا

به این سادگی نبود صدای ناله زن و بچه به آسمان بود. خودش هم مثل
أبر بهار گریه میکرد بعد هم یک خداحافظی با زینب کبری (س) کرد
دست را روی قلب خواهر گذاشت خواهرم تحمل کن. گفت حسین جان
چه کنم؟ حضرت فرمود: تکیه به خدا کن سوار بر مرکب شد دیگر
همه دل بریدند میخواست برود. دید مرکب راه نمیرود من که با همه خدا
حافظی کردم بچه ها را که بوسیدم با خواهرم که خدا حافظی کردم
أسب تو چرا نمیروی؟ چشم أسب هم دارد اشک میریزد دید سکینه
جلوی اسب آمده است بابا میخواهی بروی؟ مولا پیاده شد روی خاک
نشست حد اکثر سنی که برای سکینه نوشته بودند سیزده سالش بود
نشاند بغل دست خودش گفت: بابا صبح تا حالا که میدان میرفتی بر
میگشتی الان هم که داری میروی بر میگردی؟ نه دخترم! دیگر بر
نمیگردم. بابا نمیشود یک کاری برای ما بکنی؟ قبل از رفتن خودت بیا
ما را به مدینه بر گردان. سکینه جانم من دیگر وقتم تمام شده است

نمیگذارند که من برگردم. بابا تو از من یک درخواست کردی من
 نمیتوانستم جواب تو را بدهم حالا من از تو یک درخواست بکنم؟ بچه
 بلند شد دست به گردن اباعبدالله (ع) انداخت صورت بابا را روی سینه
 اش گذاشت. بابا را بوسید بابا چی کار کنم؟ سکینه جان اینقدر زیاد
 برای من گریه نکن. حضرت به میدان آمد حمله کرد. ترسیدند راه باز
 کردند. وارد شریعه شد «الْمَاءَ حَتَّى تَشْرَبَ قصد کرد یک خورده آب
 بخورد» «رَمَاهُ الْحُصَيْنُ بْنُ نُمَيْرٍ بِسَهْمٍ فَدَخَلَ فَمَهُ وَ حَالَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ
 شُرْبِ الْمَاءِ فَوَضَعَ الْقَدَحَ مِنْ يَدِهِ» هنوز آب را ور نداشته بود یک تیر
 به صورتش زدند. گردنِ اسب را گرفت سرش را نزدیک آب بُرد
 گفت: «أَنْتَ عَطْشَانُ! تو تشنه ای و من هم تشنه هستم اما» «وَاللَّهِ لَا ذُقْتُ
 الْمَاءَ بَخْدًا قَسَمْتُ تَا تُو آب نخوری من نمیخورم.» «فَلَمَّا سَمِعَ الْفَرَسُ كَلَامَ.
 اسب وقتی سخن اباعبدالله را شنید پوزه اش را از نزدیک آب تا جایی
 که میشد بالا آورد یعنی تو تشنه باشی و من آب بخورم.» «وَلَمْ يَشْرَبْ.

آب نخورد تو شریعه بود که یک مرتبه جارچی ها با هم صدا زدند به خیمه های ابا عبدالله حمله کردند حضرت بدون اینکه آب بخورد بیرون آمد بطرف خیمه ها پیچید دشمن عقب نشینی کرد وقتی آمد کنار خیمه ها بچه ها و خواهر ها و زن ها بیرون ریختند دیدند صورت زخم و پیشانی زخم است فریاد زن و بچه بلند شد به سر و صورت زدند. «فَقَالَ لَهَا مَهْلًا فَإِنَّ الْبُكَاءَ أَمَامَكُمْ» الان گریه نکنید آنوقت فریاد زد «يَا زَيْنَبُ، يَا كَلْثُومُ، يَا سَكِينَةَ يَا فَاطِمَةَ يَا زَيْنَبُ يَا أُمَّ كَلْثُومٍ عَلَيْكُنَّ مِنِّي السَّلَامُ دیگر برای اسارت و سیلی و تازیانه خوردن آماده بشوید حرکت کرد وقتی یک ذره دور شد زینب کبری گریان چاک زد و روی خاک افتاد دوباره برگشت کنار زینب نشست شما کسی را که غش میکند با چی بهوش می آورید؟ آب نبود. خم شد صورتش را نزدیک صورت زینب آورد شروع کرد گریه کردن اشک چشم روی صورت ریخت خواهر چشم را باز کرد دید حسین است سر زینب را

بدامن گذاشت خواهرم جدم رفت بابام رفت مادرم رفت برادرم رفت
چرا اینقدر بی تابی میکنی؟ بعد امام حسین رفت وارد معرکه شد امام
صادق میفرماید: جَدِّ من وسط معرکه سی و سه تیر به بدنش آمد. سی
و چهار زخم شمشیر هم به ایشان خورد نیزه خودش را روی زمین
فرو کرد همانطور که روی مرکب نشسته بود آرام به نیزه تکیه داد
همانجوری که به نیزه تکیه داده بود پیشانی را مورد حمله قرار دادند.
دامن پیراهن را بالا زد جلوی خون پیشانی را بگیرد نمیدانم چند نفر!
اما امام صادق (ع) میفرماید: از همه طرف شروع به سنگ باران
کردند اینجا یک جمله مال زینب کبری (ع) است. مثل اینکه دختر علی
تو این شلوغی بالای بلندی آمده بود زینب کبری میگوید: آنوقتی که
تکیه داده بود یک نفر آمد جلو یک شمشیر به سرش زد عمامه اش پُر
خون شد و نمیشد نگه داشت سرش برهنه شد اسب آمد در گودال دست
و پایش را پهن کرد که اباعبدالله (ع) ارتفاعش را به زمین کم کند آرام

پایش را از رکاب در آورد میخواست خودش پیاده شود نشد به زمین افتاد زینب میگوید: «فحمل علی من کل جانب» تا دیدند افتاد از همه طرف ریختند در گودال یکی با پا روی شانه اش آمد روی دستش آمد. یکی روی سرش یکی روی پایش آمد یکمرتبه دیدند شمر آمد راه برایش باز کردند. جلو زن و بچه با دو زانو آمد رو سینه نشست او میکشید و من میکشیدم او خنجر از کین من ناله از دل. او میبرد و من میبردیم او از حسین سر من از حسین دل. (بحار الانوار / علامه مجلسی / ۴۵ / ۴۷)

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و اليقين و الصلوة و السلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله الأطيبين

الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقِ
الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي
الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ
عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
عَلَى بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
الْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمَنَّا بِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً. اللَّهُمَّ أَظْهَرْ بِهِ دِينَكَ وَ
سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ..

اَوْصِيْكُمْ يَا عِبَادَ اللَّهِ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَخَوْفَكُم مِّنْ عِقَابِهِ.

با درود و سلام بی پایان به روح مطهر سرور و سالار شهیدان رهبر

آزادگان جهان حضرت أباعبدالله الحسین (ع) و یاران با وفایش و نیز

معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران و دو فرزند گرانقدرش جمیع مؤمنین

و مؤمنات، علما، صلحا، شهدای انقلاب، شهیدان ۸ سال دفاع مقدس،

شهدای گمنام، شهدای مدافع حرم و وطن و سلامتو امنیت مخصوصاً

سرداران گرانقدر و دانشمندان هسته ای و دیگر شهدای اخیر

تروریستی در کشور بوسیله رژیم رَزَلِ صهیونی ۴۱۷ شهید خونین

بال بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و

سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما عزیزان را توصیه میکنم به تقوای الهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه ۱۳ تیر ماه سال ۱۴۰۴ را بمحضر شما نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

فرا رسیدن ایام تاسوعا و عاشورای حسینی (ع) را بساحت مقدس صاحب عزا حضرت ولیعصر (عج) و مقام معظم رهبری و همه شما ایرادتمندان و عاشقان کوی حسینی (ع) تسلیت عرض مینمایم عاشورا نقطه عطفی در تاریخ بشر و پرچم حاکمیت دین خداست. شهدای کربلا در تاریخ بشریت جایگاهی بینظیر دارند که نه پیشینیان و نه آیندگان به

مقام والای آنان دست نخواهند یافت. این برتری ریشه در شناخت عمیق و بصیرت نافذِ اصحاب الحسین (ع) و عبورِ موفقِ آنها از دالانهای تاریک و پیچیده جنگِ شناختی و تبلیغاتی دارد که دشمنان اهل بیت (ع) با ترورهای چهار گانه شاخص، شخصیت، تشخیص و شخص طراحی کرده بودند. نقش بسزای تبلیغاتِ دشمنان در گمراهی جامعه رازِ عظمتِ شهدای کربلا در برابر این فتنه ها را روشن میسازد. بهمین جهت زیارت عاشورا پیش از لعنِ قاتلانِ اهل بیت (ع) ما را به محکومیتِ کسانی متوجه میسازد که اهل بیت (ع) را از مقام و مرتبه ایشان کنار زدند: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَآزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا» بی تفاوتی نسبت به فجایع و سهولتِ ترور

شخص موقعی اتفاق می افتد که که تشخیصِ جامعه مُختَل شود!
وضعیتِ جامعه در این ترورها بقدری بد شده بود که فکر میکردند
کشتن امام حسین(ع) از واجبات است! بفرمایش امام سجاد(ع): «لَا يَوْمَ
كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ (ع) اَزْدَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ
الْأُمَّةِ كُلِّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ» (أمالی صدوق، ص ۴۶۲).
هیچ روزی مانند روز شهادت حسین(ع) نیست که سی هزار نفر علیه او
جمع شدند و همه گمان میکردند از این امت هستند و میخواستند با
ریختن خون او بخدا نزدیک شوند در حالی که حسین(ع) آنها را
نصیحت میکرد اما تأثیری نداشت تا اینکه او را از روی سرکشی و
ظلم و دشمنی کشتند. اما شهدای کربلا در چنین فضای مه آلود و پُر از

فتنه با بصیرت عمیق خود حق را از باطل تشخیص دادند. در روزگاری که تبلیغات ضد اسلامی معاویه و بنی امیه افکار عمومی را مسموم کرده بود أصحاب امام حسین(ع) با شناخت دقیق امام زمان خود ذره ای تردید به دل راه ندادند. آنها نه تنها از ترورهای شاخص و شخصیت و تشخیص سلامت عبور کردند بلکه با فدا کردن جان خود در راه امام حسین(ع) در برابر ترور شخص نیز ایستادگی کردند. اگر سالار شهیدان در عاشورا فرمود: هیچ یارانی بهتر از یاران من نیست بجاست که امام راحل (ره) هم بفرماید: در طی این چندین قرن بعد از کربلا هیچ یارانی بهتر از مردم ایران زمین نیستند! خدا شاهد است این مردم خیلی خوب و بزرگ و شریف و عزیزند مردم حجت خدایند.

نتیجه تدبیرهای بشر در دنیا دست پروردگار متعال است نتانياهو حساب همه چیز را کرده بود ولی همین یکی را حساب نکرده بود که کار دست خداست و میتواند به تلاش او نتیجه عکس دهد و همینطور شد شکست مفتضحانه خورد هشت ماه روی این طرح کار و حساب همه چیز را کرده بودند و الان قطعاً از این حمله پشیمان است در این حمله با اینکه در خصوص فرماندهان و دانشمندان بسیار ضرر کردیم ولی برکات مهمی داشت. صهیونیزم همیشه مهاجم است و ما همیشه در برابر حملات آنها مدافع هستیم این اقتضای ذاتی صهیونیزم تلمودی است که میگویند هر کس را احتمال دادی در آینده دشمن تو میگردد او را بکش و لو کودک باشد به دنبال آن میگوید حتی پدر و مادر آن

کودش را هم بکش در آینده مطالبی از تلمود را در خطبه خواهم خواند.

اگر در طول تاریخ بخواهیم مقدس ترین جنگها را مشخص کنیم این جنگ جزو مقدس ترین هاست این را کسانی میفهمند که از ماهیت افکار و اهداف صهیونیسم و از دستورات تلمود اطلاع داشته باشند از بعضی روایات معلوم میشود که ثواب و مقام شهدا با نوع جنگ متفاوت میشود. یک برکت فوق العاده این جنگ این بود که شأن مقام معظم رهبری در دل ملت ما فوق العاده بالا رفت! دشمن غدار در این باب فوق العاده سرمایه گذاری کرده است اما امروز جامعه یک دست ابراز ارادت بساحت رهبری میکند زنی که هیچ حجابی نداشت در صفحه اینستاگرام خودش با گریه از حضرت آقا میخواست که مواظب خودش

در برابر رژیم تروریست باشد! یکی دیگر از برکات جنگ این بود که وزن اپوزیسیون خارج نشین برای آمریکا، اروپا و اسرائیل کاملاً معلوم گشت روشن شد که از آنها آبی برای آمریکا و اسرائیل گرم نمیشود آنها هر چه داد زدند که ای ملت ایران از این حمله استفاده کنید فرصت است اما هیچکس برای آنها تَره خورد نکرد! یک برکت بزرگ این جنگ این بود که اندازه قدرت نظامی ایران را به دشمنان ما و به دنیا آشکار کرد به اول ابر قدرت جهان حمله کردیم نتوانست جواب بدهد به اسرائیل که تا دندان مسلح است بخاطر تجاوزاتش حمله کردیم کاملاً فلج شد در یک لحظه در دو جبهه جنگیدیم هم اسرائیل را میزدیم و هم آمریکا را و هر دو از جواب عاجز شدند این برکت خون

شهادا و عنایتِ بزرگِ خداست در مسیر موشکهای ما تمام اروپا از زمین و آسمان فعال بودند ضد هوایی ها و سپرهای قوی اروپایی و آمریکایی از زمین و هواپیماها در آسمان در عراق در اردن یک دیوارِ عظیم تشکیل داده بودند تا اسرائیل را حفظ کنند! در این جنگ ما خیال میکنیم با اسرائیل جنگ میکردیم ولی طرف ما کُلّ اروپا و آمریکا بود مغلوبِ ما در این جنگ فقط اسرائیل نیست کُلّ دنیای استکبار شکست خورد بعد از جنگ تمام دشمنان به قدرت ایران پی بُرده اند و از این به بعد همه کشورهای منطقه با لحاظ همین قدرت تعامل خود را با ایران تنظیم میکنند. ما امروز مهمترین ستونهای قدرت اقتصادی اسرائیل، سرمایه انسانی پیشرفته آن، بویژه فناوری،

پزشکی و امنیت سایبری آنها را دچار اختلال کردیم این کار بزرگی بود بسیاری از نخبگان یهودی غیر مذهبی و مهاجر از اروپا و آمریکا به دلیل نا امنی یا تردید در آینده اسرائیل روند مهارت معکوس را آغاز کرده اند اقتصاد اسرائیل در سرایشی تاریخی قرار گرفته است. اسرائیل در جنگ با ایران له شد بر آورد رسانه های معتبر جهانی نشان میدهد این جنگ برای اسرائیل حدود ۷ میلیارد دلار هزینه مستقیم و تا ۲۰ میلیارد دلار مجموع هزینه های مستقیم و غیر مستقیم هزینه و خسارت بدنبال داشته است. حمله آمریکا به سایتهای هسته ای برای درست کردن دستاورد به نتانیاهو بود تا ابرومندانه از جنگ خارج شود ولی حالا می بیند نه تنها سایتهای از بین نرفتند و برای نتانیاهو

دست‌آورد درست نشده بلکه نظارت را نیز از دست داده‌اند و پای جاسوس اسرائیل یعنی یهودی آرژانتینی گروسی به ایران قطع شد. این یهودی آرژانتینی هفته قبل گفت الان ضروریترین وقت است که من از سایتهای ایران بازدید کنم آیا میدانید چرا اصرار به بازدید از سایتهای هسته‌ای ایران دارد؟ علت آن حفظ آبروی ترامپ است چون ترامپ گفت تمام سایتهای نابود شد. ترامپ اعلام کرد با ایران مذاکره داریم و حتماً به توافق خواهیم رسید با توجه به اینکه مذاکره خدعه و حربه شد تا ما را غافلگیر و فرماندهان ما را ترور کنند هیچ ایرانی به چنین مذاکره گلو گشاد راضی نیست ما با اصل مذاکره مخالف نیستیم اما مذاکره بعد از حمله، ذلت تمام عیار است از طرفی دولت محترم نیز

إصرار دارد که مذاکره کند من یک پیشنهاد دارم و آن اینکه دولت
محترم به طرف مقابل چه آمریکا یا ۵+۱ اعلام بکند ما به یک شرط
حاضر به مذاکره هستیم و آن این است که شما قبل از مذاکره با اصل
غنی سازی در داخل ایران بر اساس نیازهای طبی و صنعتی موافق و
آن را از موضوع مذاکره خارج کنید. ظاهراً رژیم صهیونیستی به
دنبال تداوم جنگ در منطقه است و تنها ایران آماج حملات این رژیم
نخواهد بود مصر یکی از کشورهایی است که بنظر میرسد از سوی
إسرائیل به روشهای مختلف مورد تجاوز قرار گیرد.